

« بحث در جرائم بر ضد شرافت »

« ناصر جرم »

فصل نهم

عدم اثبات صحت انتساب

« ۵ »

ماده ۲۷۰ قانون مجازات عمومی میگوید :

« اگر اسناد دهنده صحت امور منتسبه را در محکمه صالحه ثابت نماید از مجازات معاف خواهد بود والا مفتری است » و ماده ۲۷۱ مجازات چنین شخصی را معین کرده است .

قانون مطبوعات محرم ۲۶ جعل اخبار فتنه انگیز (بدروغ را) ممنوع کرده و لایحه قانون مطبوعات آذر ۳۳ این موضوع را واضح تر منعکس کرده و در تبصره ماده ۲۶ گفته است :

« در صورتیکه اسناد دهنده صحت امور منتسبه را در دادگاه ثابت نماید از مجازات معاف است متهم باید پس از تعقیب منتهی در ظرف ۱۵ روز مدارک و شهود خود را برای اثبات نسبت هائیکه داده است تسلیم و معرفی نماید .

اما در بسیاری از کشورها نمیتوان در تمام موارد با اثبات صحت از مجازات معاف دانست در شرع اسلام نیز بسیاری از گناهان را اجازه اثبات در مواردی نداده است . چنانچه اگر زانیه ای حد زنا درباره اش اجرا شد و از عمل خود توبه کرد هیچکس حق ندارد مجدداً باو نسبت زنا بدهد و گرنه قاذف خواهد بود و حد درباره او مجری است .

همچنین وقتی میتوان در مورد یک زن ادعای مشاهده عمل زنا را بمرحله اثبات رساند که چهار شاهد عادل آنرا گواهی دهند و اگر از این میزان یکنفر کمتر بود اثبات حاصل نشده این عده مفتری هستند در فرانسه این جرم را بیشتر از آن لحاظ اهمیت میدهند که حیثیت اشخاص از میان نرود و باین جهت اگر بیک شخص اسناد صحیحی هم بدهند گاه موجب تعقیب است چنانکه اگر بیک زن فاحشه بگویند فاحشه است از مجازات در تمام مواقع مصون نخواهند بود و بطور کلی در این کشور مواردیکه میتوان ادعا را اثبات نمود بسیار محدود است مخصوصاً که افترا یا توهین علنی باشد .

بحث در جرایم بر ضد شرافت

در انگلستان از نظر حقوقی اگر مدعی علیه بتواند ثابت کند که موضوع شکایت حقیقت دارد مسئول نخواهد بود حتی اگر آن موضوع را از روی غرض انتشار داده باشد ولی در تعقیب جزائی قاعده دیگری معمول است بدین معنی.

که اگر موضوع افترا حقیقت داشته و انتشار آن بِنفع عامه بوده باشد قابل تعقیب نیست و اگر حقیقت داشته و نفع عامه از آن متصور نباشد قابل تعقیب خواهد بود و اگر موضوع حقیقت نداشته باشد هر چند انتشار دهنده تصور نموده باشد که حقیقت دارد و در این اشتباه هم مقصر نباشد معذک است.

مدعی علیه میتواند ثابت کند که موضوع من حیث المجموع دور از حقیقت نیست ولو در جزئیات اختلافی باشد.

مثلاً اگر کسی بگوید فلان شخص یکسال زندانی شده است و حال آنکه واقعاً ده ماه زندانی بوده چندان مهم نیست و اثبات حقیقت موضوع برای خواننده کافی است ولی نمیتواند یک عمل خلاف را از جانب کسی بهانه کرده و او را متصف بصفته ناشایستی نماید. مثلاً یک خبر بدروغ از طرف یک خبرگزاری را دلیل قرار داده و بگوید که این آژانس دروغ میگوید زیرا یک بار خبر دروغ منتشر کرده است دلیل عادت نیست. همچنین کسی مجاز نخواهد بود که هنگام نقل قول بشیوع یک مطلب استناد کند بلکه باید اصل مطلب را اثبات نماید.

در موضوع اخیر محاکم ایران نیز عملاً این رویه را اختیار کرده‌اند و اجازه داده‌اند که خواننده ثابت کند مطلب اظهار شده از طرف او کاملاً خلاف واقع نیست. مثلاً اگر کسی نسبت ایراد ضرب منتهی بقوت بکسی داده باشد ولی در نتیجه رسیدگی قبلی ثابت شده بوده که قتل غیر عمد بوده است نمیتوان اظهار کننده را بعنوان مفتری تعقیب نمود. همچنین است موردیکه چند جناحه یا جنایت را اسناد بدهد و فقط یکی را ویا کمتر از آن عده را ثابت نماید.

کسانیکه در ایران معتقد باین نوع استدلال هستند عقایدی اظهار میکنند که در بعضی از احکام محاکم نیز دیده میشود که شمه‌ای از آنها را ذکر مینمائیم و سپس درباره آن بحث میکنیم باین شرح:

اولاً - در این مورد فلسفه تعقیب مفتری وجود ندارد زیرا علت تعقیب مفتری صیانت افراد بیگناه از تعرض اشخاص هتاک و بی پروا و جلوگیری از آبرو ریزی مردم با حیثیت و شرافتمند میباشد. و در صورتیکه مسلم و محقق شد که متهم اجمالاً مرتکب جرمی شده است و محکومیت وی اعلام گردیده دیگر چنین شخصی دارای شرافت و حیثیتی نبوده که جبران آنرا درخواست نماید.

ثانیاً - اگر قرار باشد از شاکی یا اعلام کننده یک جرم بخواهیم هر چرا که گفته طابق النعل بالنعل با تمام خصوصیات بمرحله اثبات برساند موجب سد باب شکایات و بالملازمه باعث مکتوم ماندن اغلب جرایم خواهد شد زیرا کمتر ممکن است ادعائی بدون کم و کاست بمرحله اثبات برسد و بدیهی است تحمیل چنین تکلیف شاق بر زیان متضرر از بزه و برخلاف مصالح جامعه خواهد بود.

بحث در جرایم برضد شرافت

بنظر میرسد که هر دو عقیده (که تمام جزئیات را باید متهم اثبات کند و دیگر آنکه اثبات در حدود موقوف جایز است) در محل خود بجا و از نظر جامعه مفید باشد چون اسناد صوری بدو شکل است یا بوسیله اعلام جرم یا بصورت انتشار یک مقاله یا اظهار شفاهی یا امثال آنها است.

در صورتیکه افترا یا اسناد اکاذیب بصورت اول باشد رویه معمول انگلستان چندان اشکالی ندارد زیرا دادسرا و دادگاه مرجع شکایات بوده و برای رسیدگی بوجود آمده‌اند و اگر کسی در معرض تهمت و اشاعه آن در آن مکان قرار گیرد آبرو و حیثیت او از میان نرفته است.

زیرا دستگاه قضائی مانند طبیب محرم اسرار مردم بوده و اگر در متن اعلام جرم نسبت بکسی که واقعاً هم عملی برخلاف قانون و مقررات انجام داده کمی زیاد و کم اظهار شده باشد نه برای طرفین و نه برای مقامات قضائی که عادت باین وضع دارند اشکالی نخواهد داشت.

در میان جرائم برضد شرافت آنچه اثباتش ممکن نیست توهین است زیرا توهین مطلقاً برای تحقیر و از میان بردن احترام طرف است و از واژه‌های مبهم تشکیل میگردد و بنابراین چیزی در آن نیست که بتوان آنرا اثبات کرد.

مثلاً وقتی کسی نسبت بیک شخص میگوید «ای احمق» هرگز نمیتواند در محکمه متوسل باثبات حماقت او گردد و اصولاً برای محکمه هم حقی برای تشخیص آن نیست.

فصل دهم علن و انتشار

شاید هیچ جرمی باندازه این جرائم با عنصر علن بستگی نداشته باشد این عنصر در بیشتر جرائم جزء موارد مشدده است ولی در منافیات عفت و جرائم برضد شرافت اهمیت زیادتری بهم رسانده است.

بعضی جرائم مانند قتل - سرقت از نظر نفس عمل بحال جامعه خطرناک میباشند نه فقط از نظر علنی بودن ولی افترا و توهین همانطور که از اسمشان پیداست جرائمی برضد حیثیت و شرف اشخاص و اجتماعات هستند و در صورتیکه فقط بین طرفین انجام گرفته باشد چگونه میتوان گفت که شرافت کسی از میان رفته است.

علن در افترای کتبی همان انتشار اوراق است و در شفاهی بتعبیر ماده ۲۶۹ نطق در مجامع میباشند.

ماده ۲۶۹ مکرر ب تماماً از اسناد کتبی گفتگو میکند و اگر راپورت را شفاهی هم بدانیم چون راپورت از طرف یک مأمور رسمی بیک مقام مافوق است علنی و آن معنی که منظور ماست نخواهد بود.

بحث در جرایم برضد شرافت

در فرانسه قانون مطبوعات ۱۸۸۱ انواع افترا و اهانت علنی را باین طریق تعریف کرده است :

۱- هرگاه بوسیله نطق در مجامع عمومی یا امکانه عمومی بعمل آمده باشد .

۲- هرگاه بوسیله نوشته چاپی یا خطی که برای توزیع یا فروش بانظار عرضه شده بعمل آید .

۳- هرگاه بوسیله نوشته چاپی یا خطی که در مجامع عمومی یا امکانه عمومی بفروش رسیده یا توزیع یا نشر شده باشد .
یکی از محققین فرانسوی مینویسد :

معلوم نیست که مقنن از چه نقطه نظر علنی بودن جرم را تا این درجه محدود قرار داده است و در غیرموارد فوق الذکر مجازات خفیف تری برای منتشر توهین قائل شده است و در صورتیکه اسناد دهنده برای اجرای منویات سوء خود همیشه محتاج بتوسل بیکی از وسائل مذکور نمیباشد و با وسائل دیگر میتواند بطرف خود صدمات مادی یا معنوی مهم تری وارد آورد مثلاً تاجری میتواند یا بدگویی از تاجر دیگر نزد مشتریانش اعتبار او را از بین ببرد یا مرئوسی بدون استحقاق تقریبی بر رئیس خود پیدا کرده هرگاه هنر و استعداد همکاری را بحال خود مضر و مخل به پیشرفت سیاست خویش فرض کند باطرق متنوعه میتواند ذهن رئیس را مشوب نموده و همکاری را سرگردان سازد .

در انگلستان همینقدر که اسناد از حالت محرمانه خارج شد مجازاتهای حقوقی و جزائی بان تعلق میگیرد و گاه مشمول هر دو میشود ولو آنکه آگاه شدگان عده کمی باشند . چنانچه اگر کسی در مجمعی که خبرنگاران حضور دارند نطقی ایراد کند و بداند که مخبرین حاضر هستند و بیانات او را یادداشت میکنند هم از نظر حقوقی مسئول است چون افترای شفاهی است و هم از نظر جزائی بمناسبت جنبه کتبی آن .

هرگاه کسی بدیگری دستوراتش را منتشر کند و او را بدهد بدون اینکه کلمات آنرا تقریر کند نمیتواند باین دفاع متوسل گردد که کلمات از او نیست و اگر هم ثابت شود که دستورات را او داده مسئول خواهد بود .

انتشار موضوع افترا آمیز وقتی حاصل میشود که شنونده و یا خواننده هم معنی افترا آمیز آنرا درک کند و هم بهویت شخص منظور پی ببرد والا اگر درک کند که قصد افترا در بین هست ولی نفهمد که شخص مقصود کیست شرایط انتشار محقق نشده است . مثلاً شخصی مطلب موهنی را روی یک کارت پستال نوشته آنرا برای یکی از دوستان خود فرستاده و با اینکه معلوم شد کارت پستال را اشخاص مختلف خوانده اند ولی چون اسم شخص منظور در کارت پستال ذکر نشده بود دادگاه حکم داد که شرایط انتشار حاصل نشده است .

در بعضی موارد اصل اینست که انتشار حاصل شده و اثبات عدم آن بعهد منکر خواهد بود .

بحث در جرایم برضد شرافت

مثلاً هر گاه مطلب روی کارت پستال نوشته شده باشد یا بوسیله تلگراف مخابره شود یا بطبع رسیده باشد اصل اینست که پستیچی یا تلگرافچی از موضوع مطلع شده و اگر نویسنده مدعی باشد که آگاهی حاصل نشده باید آنرا اثبات کند.

قصد و اراده و یا غفلت انتشار دهنده نیز در انتشار دخالت دارد.

مثلاً اگر قرائتخانه‌ای کتابی را که محتوی مطالب افترا آمیزی است بدون آگاهی از محتویات آن بچریان بیاندازد بعلت غفلت مسئول خواهد بود ولی اگر نه قصد انتشار افترا را داشته و نه غفلت کرده باشد مسئولیتی نخواهد داشت.

مانند روزنامه فروش که بدون اطلاع از محتویات روزنامه آنرا توزیع نماید اگر بعد معلوم شد که محتویات آن افترا آمیز بوده روزنامه فروش که فقط در انتشار موضوع آلت بی واسطه و بی اراده‌ای بوده مسئول نخواهد بود.

ملاحظه این مطالب نشان میدهد که در انگلستان در اینمورد کنجکاوی زیادی کرده‌اند.

در فرانسه علن دارای شرایط و قیودی است که اجمالاً باین ترتیب شرح داده میشود :

عمومی بودن مکان ممکن است محدود بوقت معین یا اینکه غیر محدود باشد نوع اول مثل حمام و رستوران و امثال آنها که در اوقات معینی برعموم باز میباشد و در اثنای همان اوقات مکان عمومی بشمار میرود و در خارج از آن اوقات مکان عمومی محسوب نیست.

دوم مثل کوچه و خیابان که تمام اوقات برعموم باز است.

هر گاه کسی در مکان غیر عمومی مرتکب فحش و توهین گردد بطور کلی جرم غیر علنی مرتکب شده ولی هر گاه اجتماع چند نفر در مجمعی دارای کیفیتی باشد که در نتیجه محل مذکور حالت مجمع عمومی را پیدا کند در اینصورت جرم علنی محسوب خواهد شد.

نکاتی که در فرانسه برای علن مورد توجه قرار گرفته عبارتند از :

۱ - عده‌ای که در آن مجمع حضور دارند.

۲ - روابط آنها بایکدیگر.

۳ - شرایطی که بعنوان آن مجمع تشکیل شده است.

عده حاضرین در عمومی یا خصوصی بودن مجمع چندان تأثیر ندارد بلکه هر مجمعی که برای حضور در آن شرایط خاص و دعوت مخصوص لازم شود خصوصی میباشد و در غیر اینصورت عمومی است.

چنانکه در سال ۱۹۳۰ جرم کسیکه در اطاق نهارخوری دانشکده‌ای در حضور مجمع که از آموزگاران و دانشجویان تشکیل شده بود مرتکب فحش گردیده بود غیر علنی تلقی شد و رسیدگی آن بعهدہ محکمہ خلاف قرار گرفت.

بحث در جرایم برضد شرافت

مجامع شرکتهای تجارتي برای قرارداد ارفاقي و رسیدگی بعملیات شرکت در صورتیکه علنی برای عموم باشد اجتماع عمومی شناخته شده ولی اگر یک عده که سمت رسمی دارند حضور داشته باشند علنی شناخته نشده است.

دیوان کشور فرانسه نیز قصد را در علن بودن دخیل دانسته و در مجامعی که عمومی یا خصوصی بودن آن مورد بحث است در صورتی آنرا مشمول مقررات علن دانسته که مفتری یا اهانت کننده قصد اسناد بطور علنی را داشته باشند.

علن در قانون ایران تعریف شده است. بند الف ماده ۲۱۴ مکرر بمناسبت اینکه محاکم تشخیص علنی و غیر علنی را بیک نحو نمیدادند باین طریق وضع شده است :

« از نقطه نظر قوانین جزائی خواه این قانون و خواه قوانین دیگر مقصود از ارتکاب عمل بطرز علنی ارتکاب آن در مرئی و منظر عموم است اعم از محل ارتکاب از امکانه عمومی باشد یا نه و یا ارتکاب در امکانه ایست که معد برای پذیرفتن عموم باشد از قبیل حمامهای عمومی و قهوه خانه و نمایشگاه و مانند آن » .

در مورد نوع دوم که معد برای پذیرفتن عموم است این بحث پیش میآید که آیا همینکه جرمی در چنین محلی وقوع یافت علنی خوانده میشود یا باید کسانی هم در آنجا حضور داشته باشند ؟

عدهای معتقدند که قانون بدون قید ذکر کرده است پس اگر کسی در حمام یا سالن مهمانخانه مرتکب جرمی شد ولو کسی در آنموقع در آنجا نباشد مرتکب بزه علنی شده زیرا ماده ۲۱۴ دو نوع را از هم باین طریق مشخص کرده است :

۱ - در مرئی و منظر عموم باشد اعم از اینکه محل ارتکاب از امکانه عمومی باشد یا خیر .

۲ - در محلی که معد برای پذیرفتن عموم است .

در مورد دوم چون صحبت از وجود اشخاص نکرده منظورش اینست که خواه کسی در آنجا باشد یا خیر و اما اگر بخواهیم عقیده مخالف را اختیار کنیم میگوئیم که علن عبارتست از ارتکاب جرم در محلی که اشخاص حضور دارند و ماده ۲۱۴ مکرر الف را باید اینطور معنی کرد که :

مقصود از ارتکاب علن اعم است از اینکه :

۱ - محل ارتکاب از امکانه عمومی باشد (مثل کوچه و خیابان) .

۲ - از امکانه عمومی نباشد لکن جرم در حضور اشخاص و در منظر عموم

واقع شود .

۳ - در امکانه ای که آماده برای پذیرفتن عموم است (مثل مغازه و فروشگاه

و طالار موزه و جرم نیز در مقابل جمعی صورت گرفته باشد) .

بحث در جرائم برضد شرافت

پس وقتی ماده ۲۱۴ مکرر الف را بصورت اخیر تجزیه کنیم ارتکاب جرم در یک سالن کتابخانه عمومی یا سینما موقعی که کسی در آنجا حضور ندارند علنی نخواهد بود. علن در قانون ایران در فصل منافیات عفت و افترا و بعضی فصول دیگر ذکر شده است و همچنین در ماده ۲۷۵ کسانیرا که متجاهراً استعمال الکل و افیون و شیر و تریاک میکنند قانون محکوم کرده است.

همانطور که در مورد رویه دادگاههای فرانسه اشاره شد جرائم علنی گاهی با قصد ارتکاب علن توأم هستند و گاهی قصدی در آن دیده نمیشود.

منظور از این قصد آنستکه مرتکب علاوه بر تعمد در انجام جرم در علنی بودن آن و تظاهر بعمل خود نیز عامد باشد و این همانست که حالت تجاهر خوانده میشود و رابطه تجاهر را با علن با نظریق تعیین میکنند.

عده ای که چنین عقیده ای را دارند اشخاصی را که مرتکب جرم علنی بودن قصد تظاهر شدند تابع قوانینی نمیدانند که جرائم را توأم با تجاهر منع کرده است و دیوان کشور بموجب حکم شماره ۲۴۴۵/۱۰۰۰۸ مفهوم تجاهر را غیر مفهوم علن دانسته است با قبول این نظر جرائم برضد شرافت از نقطه نظر علن سه نوع خواهند بود:

- ۱ - اسناد و توهین غیر علنی که فقط بین طرفین انجام گرفته باشد.
 - ۲ - اسناد و توهین علنی بدون آنکه مرتکب قصد تظاهر داشته باشد.
 - ۲ - اسناد و توهین علنی که مرتکب خود متوجه و مصمم بارتکاب علنی است. افترا و توهین بموجب قانون ایران وقتی جنحه و جنایات است که با علن توأم باشد اگر نه یک امر خلافی خواهد بود ولی در آلمان و ایتالیا و بعضی کشورهای علنی بودن فقط موجب تشدید مجازات خواهد بود.
- برای تحقیق بیشتری در تأثیر علن در جرائم برضد شرافت در ایران باید هر کدام از شقوق آنرا مختصراً مورد بحث قرار دهیم:

مهمترین ماده مربوط بافترا ماده ۲۶۹ قانون مجازات و ماده ۲۷ قانون مطبوعات آذر ۳۱ است که قسمت مطبوعاتی آن چون انتشار یک مطلب است علن را به همراه دارد و ماده ۲۶۹ هم فقط نطق در مجامع و انتشار اوراق را ذکر کرده است - پس علن را عنصر ذاتی جرم میداند.

ماده ۲۷۳ که هجو اشخاص را نظماً و نثراً محکوم میکند مربوط به اهانت است و مواد مطبوعاتی مربوط به اهانت نیز انتشار آنرا شرط قرار داده اند.

مجازات اهانت بمقامات رسمی مقید بعلم نیست ولی در توهین مخصوصاً شفاهی آن باید متوجه بود وقوع ایراد توهین را بوسیله استشهاد باید اثبات نمود و وقتی کسی در محل وقوع توهین حاضر نباشد شهادتی هم انجام نخواهد گرفت.

ماده ۲۶۹ مکرر که مربوط بجعل اکاذیب است مراسلات و عرایض را مطلقاً نامبرده و انتشار آنها را شرط قرار نمی دهد ولی اگر اسناد روی اوراق چاپی یا خطی

بحث در جرائم برضد شرافت

درج شده و بمقام رسمی تسلیم نگردد باید منتشرشود تا جرم محسوب گردد و گزارشهای نظامی نیز محتاج بعلن نمیشد.

اسناد بسایر وسائل که در مواد مختلف دیده میشود نیز بوضعی است که اثبات آن اغلب باید بوسیله شهادت باشد پس علق جزء عناصر آنها محسوب میگردد.

بنا بر توضیحات بالا قانون ایران دستور ثابت معینی را در باره علق در جرائم برضد شرافت نداده است و اتفاقاً رویه محاکم ما هم در این مورد بهمین وضع است ولی بهرحال در مقایسه آن با جرم منافیات عفت باید گفت که علق در آن جرائم عامل تشدید مجازات بوده ولی در جرائم برضد شرافت اغلب شرط برای مجازات میباشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی